



The Criminal Act of Government Officials from the Point of View of Legal Criminology

Mohammadreza Haddad¹, Seyed Mahmoud Mirkhalili^{*2}, Seyed Mahdi Mansouri³

1. Ph.D Student of Criminal Law and Criminology, Yazd Branch, Islamic Azad University, Yazd, Iran.

2. Professor, Aras International Campus, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Assistant Professor, Department of Law, Meybod Branch, Islamic Azad University, Meybod, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 143-154

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0002-1955-1895

TELL: +989128146311

Email: mirkhalili@ut.ac.ir

Article history:

Received: 27 Sep 2024

Revised: 11 Dec 2024

Accepted: 23 Jan 2025

Published online: 21 Mar 2025

Keywords:

Omission, Damage, Public Authority, Supervision, Differential Reaction.

ABSTRACT

The government is committed to providing public services to citizens, and the criminal acts of government officials leave widespread and public effects due to the wide influence of the government's role. In other words, the omission of a criminal act, if the perpetrator is a government official or has an official position, may cause harm and consequences at macro levels, and this makes it necessary and avoidable to study various aspects of the omission of criminal acts by government officials. Has made it impossible on the other hand, since the evaluation of the method of criminalization, the process of discovery and prosecution and the shortcomings in the legislative, judicial and executive fields related to the criminal phenomenon is one of the most important missions of legal criminology, so in this research The descriptive-analytical method has been used to analyze of public choice theory, the weakness of the criminal justice system in order to adopt a differential reactive approach, as well as the challenge existing in the field of regulatory mechanisms. The result is that the use of electronic monitoring system, damage-oriented reactive measures against crimes, elimination of the psychological element and absolute assumption of the committed crime, criminalization of omissions in the approved legal texts and the use of mechanisms based on animal welfare And continuous monitoring can be considered as one of the most important strategies to deal with and reduce the criminal acts of government officials.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2025 The Authors.

How to Cite This Article: Haddad, M; Mirkhalili, SM & Mansouri, SM (2025). "The Criminal Act of Government Officials from the Point of View of Legal Criminology". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 5(1): 143-154.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره پنجم، شماره اول، بهار ۱۴۰۴

ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی از منظر جرم‌شناسی حقوقی

محمدرضا حداد^۱، سید محمود میرخلیلی^{۲*}، سیدمهدی منصوری^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد یزد، دانشگاه آزاد اسلامی، یزد، ایران.

۲. عضو هیأت علمی پردیس بین‌المللی ارس دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استادیار، گروه حقوق، واحد میبد، دانشگاه آزاد اسلامی، میبد، ایران.

چکیده

دولت متعهد به ارائه خدمات عمومی به شهروندان است و ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی به دلیل گسترده تأثیرگذاری نقش دولت، تأثیرات گسترده و عمومی برجای می‌گذارد. به عبارتی، ترک فعل مجرمانه در صورتی که مرتکب آن، مقام دولتی و یا دارای سمت رسمی باشد، ممکن است موجب آسیب‌ها و تبعاتی در سطوح کلان گردد و همین امر، مطالعه جوانب مختلف ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی را ضروری و اجتناب‌ناپذیر نموده است. از طرفی از آنجا که ارزیابی شیوه جرم‌انگاری، فرآیند کشف و تعقیب و کاستی‌های موجود در حوزه‌های تقنینی، قضایی و اجرایی مرتبط با پدیده مجرمانه یکی از مهم‌ترین رسالت‌های جرم‌شناسی حقوقی است، بنابراین در این پژوهش به شیوه توصیفی - تحلیلی به تحلیل ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی از منظر مطالعاتی مورد اشاره پرداخته شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از منظر جرم‌شناسی، ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، معلول عوامل مختلفی همچون ساختار اداری نامناسب، عدم به‌کارگیری و اعمال نظریه انتخاب عمومی، ضعف نظام عدالت کیفری در راستای اتخاذ رویکرد واکنشی افتراقی و همچنین چالش‌های موجود در حوزه سازوکارهای نظارتی است. نتیجه این که استفاده از سیستم نظارت الکترونیک، خسارت‌محور نمودن تدابیر واکنشی علیه جرایم، حذف عنصر روانی و مطلق فرض نمودن جرم ارتكابی، جرم‌انگاری علی‌حده ترک فعل‌ها در متون قانونی مصوب و استفاده از سازوکارهای مبتنی بر دام‌گستری و نظارت مستمر را می‌توان از مهم‌ترین راهبردها به منظور مقابله و کاهش ترک فعل‌های مجرمانه مقامات دولتی، قلمداد نمود.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۱۴۳-۱۵۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۱۸۹۵-۱۹۵۵-۰۰۰۲-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۹۸۹۱۲۸۱۴۶۳۱۱

ایمیل: mirkhalili@ut.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۰۶

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۳/۰۹/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۱/۰۴

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

ترک فعل، خسارت، مقام دولتی، نظارت، واکنش افتراقی.



مقدمه

ترک انجام وظایف قانونی و محوله از جانب مقامات دولتی، نقطه مقابل مسؤولیت سنگینی است که برعهده هریک از آن ها نهاده شده است، موضوعی که در متون سیاسی، حقوقی و قضایی در سال‌های اخیر پررنگ‌تر نیز گردیده است و به‌عنوان یک مسأله مهم و در عین حال مصداق خاص از پدیده مجرمانه، مطمح نظر صاحب‌نظران و اندیشمندان حقوقی مختلف بوده و هریک از منظری خاص به بررسی و تحلیل آن و جوانب و ابعاد گوناگونش پرداخته‌اند. مسأله اینجاست که ترک انجام وظایف قانونی و محوله از جانب مقامات دولتی پیامدهای عمومی و گسترده زیان‌باری به‌دنبال دارد. باوجود این، مطالعه ترک فعل مجرمانه مقامات داخلی از منظر جرم‌شناسی حقوقی (انتقادی) به‌عنوان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های جرم‌شناسی کاربردی، موضوعی است که کمتر بدان پرداخته شده است. جرم‌شناسی حقوقی، علل اصلی بزهکاری را نه در شخص مجرم و معیارهای زیست‌شناختی و شخصیتی او، بلکه در ساختار نابرابر جامعه، جستجو می‌نماید. نظر به رویکرد منتقدانه و آسیب‌شناسانه جرم‌شناسی حقوقی، قطعاً شناسایی پدیده مجرمانه ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، در بستر مطالعاتی فوق، بهتر امکان‌پذیر خواهد بود و این امر، دلیل اصلی انجام پژوهش پیش روی است. درخصوص ترک فعل پژوهش‌های متعددی انجام شده است: امیر محمدکریمی و همکاران در مقاله‌ای به بررسی تطبیقی معاونت در جرم از طریق ترک فعل در سامانه حقوقی ایران و انگلستان پرداخته‌اند (محمدکریمی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۵-۳۵). محسن اسمعیلی نیز در مقاله‌ای، تسبیب در قتل ناشی از ترک فعل را بررسی کرده است (اسمعیلی، ۱۳۹۴: ۱۸۷-۱۷۱). همچنین محمود روح‌الامینی، در مقاله‌ای، مفهوم و جایگاه فعل ناشی از ترک فعل در حقوق کیفری فرانسه، سوئیس و ایران را بررسی کرده است (روح‌الامینی، ۱۳۹۶: ۹۶-۱۱۶). تمایز و نوآوری مقاله حاضر نسبت به سایر پژوهش‌های انجام‌شده این است که در این مقاله ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی از منظر جرم‌شناسی حقوقی بررسی می‌شود. بر مبنای آنچه گفته شد، مهم‌ترین سؤالات این پژوهش را می‌توان این‌گونه مطرح نمود که اولاً مهم‌ترین عوامل گسترش پدیده مجرمانه ترک فعل مقامات دولتی از

منظر جرم‌شناسی حقوقی کدامند؟ ثانیاً در راستای کاهش و مقابله با پدیده مجرمانه مزبور چه راهبردهایی را می‌توان از موازین و آموزه‌های جرم‌شناسی حقوقی، استخراج نمود؟ طبیعی است که با توجه به برگزیدن حوزه مطالعاتی جرم‌شناسی حقوقی، فرضیات نگارندگان مبتنی بر امکان‌پذیری شناخت عوامل گسترش و راهکارهای مقابله با پدیده مجرمانه ترک فعل مقامات دولتی از منظر حوزه مورد اشاره است. به‌منظور بررسی سؤالات و فرضیه‌های مورد اشاره ابتدا ویژگی‌های جرایم مقامات ناشی از ترک فعل بررسی شده و در ادامه از عوامل گسترش جرایم مقامات ناشی از ترک فعل و راهبردهای مقابله و کاهش ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، بحث شده است.

۱- ویژگی‌های جرایم مقامات ناشی از ترک فعل

در اینجا به‌عنوان قسمت آغازین پژوهش، ذیل سه بند جداگانه به تبیین مهم‌ترین ویژگی‌های جرایم ناشی از ترک فعل مقامات دولتی (ویژگی‌های مرتکب، بزه‌دیدگان و خسارت‌های ناشی از جرایم مزبور) خواهیم پرداخت.

۱-۱- ویژگی‌های مرتکب

مهم‌ترین ویژگی مرتکب ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی - همان‌گونه که از عنوان آن نیز پیداست - دارا بودن سمت، منصب و مقام مدیریتی در سطح دولتی است که آن را از مرتکبین عادی متمایز می‌سازد. ویژگی دیگر مرتکب، محول شدن انجام وظیفه، تکلیف و فعل مشخص از جانب مقررات قانونی به مشارالیه است؛ در غیر این صورت، نمی‌توان عنوان مجرمانه ترک فعل را به وی نسبت داد. از دیگر ویژگی‌های مرتکب مورد بحث، می‌توان به مواردی همچون دارا بودن اختیارات قانونی در راستای انجام فعل مورد تکلیف مقررات قانونی، عدم انجام ارادی تکلیف قانونی و همچنین تحت نظارت‌بودن وی توسط مراجع قانونی و نظارتی ذی‌ربط اشاره نمود.

۱-۲- ویژگی‌های بزه‌دیدگان

«بزه‌دیده شخصی است که به‌دنبال رویداد یک جرم، به آسیب بدنی، روانی، درد و رنج عاطفی، زیان مالی یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود دچار شده باشد» (رایجیان اصلی، ۱۳۹۰: ۱۸). اعلامیه سازمان ملل درباره اصول بنیادی عدالت برای بزه

قانون‌گذاری واقع گردد. موضوعی که در اصل بیستم قانون اساسی، برای مردم ایران نیز در نظر گرفته شده است.

۳-۱- ویژگی‌های خسارت‌ها

خسارت را می‌توان به «خلاف نفع»، «خلاف سود» و «نقص در حق» تعریف نمود (اسماعیلی، ۱۳۷۷: ۴۳)؛ بر این مبنا، جبران خسارت، زمانی لازم می‌شود که به دلیل فعل یا ترک فعل ارتكابی شخص، ضرری (اعم از مادی یا معنوی) متوجه دیگری شده (امامی و استوار سنگری، ۱۳۹۰: ۳۶۳) یا در استیفای حق مشارالیه، خللی وارد آمده باشد. هدف جبران خسارت، برآورده ساختن انتظارات زیان‌دیده است، بنابراین جبران خسارت از جانب عامل زیان، بایستی به گونه‌ای باشد که زیان‌دیده را در وضعیت عدم زیان قرار دهد (Virgo, 2006: 32). همان‌گونه که درخصوص گستره بزه‌دیدگان گفته شد، در ارتباط با ویژگی خسارت‌های ناشی از ترک فعل مقامات دولتی نیز ظهور جنبش زمیولوژیک، موجب شناسایی خساراتی خارج از گفتمان متعارف جرم، بزهکاری و جرم‌انگاری گردیده (جاستین کوثره، ۱۴۰۱: ۷) و به بسط بیش از پیش این مفهوم، منجر شده است؛ بنابراین خسارت ناشی از ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، دارای گستره و شدت متفاوت می‌باشد و تفاوت گفته‌شده به مؤلفه‌های مختلفی همچون منصب مدیریتی مقام تارک فعل، موضوع ترک فعل و ... وابسته است. به عنوان نمونه، چنانچه مقام ناظر و کنترلگر کیفیت اقلام دارویی، در انجام وظیفه خویش، اهمال نموده و از این طریق، فرآورده دارویی با کیفیت نامناسب وارد بازار گردیده و خسارت جانی، نقص عضو و ... به مصرف‌کننده وارد آورد، مقام مورد اشاره، در صورتی مسؤول است که حدوث عیب و خطر در اثر قصور وی در اعمال قانون و رعایت نظامات دولتی بوده و رابطه سببیت میان تقصیر او و ضرر اثبات گردد و یقیناً علاوه بر اقامه دعوی کیفری، منعی برای خوانده قراردادان وی در دعوی مطالبه خسارت ناشی از فرآورده‌های دارویی نیز وجود ندارد. نمونه دیگر، این است که «رؤساء مدیران یا مسؤولین سازمان‌ها و مؤسسات مذکور در ماده ۵۹۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، از وقوع جرایمی همچون

دیدگان سوءاستفاده از قدرت نیز بزه‌دیدگان را اشخاصی تعریف می‌کند که در اثر فعل یا ترک فعل‌هایی - که ناقض قوانین کیفری دولت‌های عضو است - به‌طور فردی یا گروهی دچار آسیب جسمی، روانی، درد و رنج عاطفی، خسارت مالی و یا آسیب اساسی به حقوق بنیادی خود شده‌اند (زکوی، ۱۳۹۰: ۳۶). در حوزه بزه‌دیدہ‌شناسی جرایم دولت به‌طور عام و ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی به‌طور خاص، تاکنون مطالعه کافی صورت نگرفته است (کولازیچ و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹۸). به رغم وجود ادبیات در زمینه بزه‌دیدہ‌شناسی، اما تلاشی برای تبیین ماهیت، گستره و توزیع بزه‌دیدہ‌شناسی جرایم دولت انجام نشده است (کولازیچ و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹۸). پیدایش مکاتب و دیدگاه‌های نوظهور مبتنی بر زمیولوژی^۱ (شمس ناتری، ۱۳۹۴: ۳۳۹-۳۲۵) نیز بیش از پیش به بسط گستره بزه‌دیدگان این‌گونه جرایم افزوده است؛ بدیهی است که ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی نیز از قاعده مزبور مستثنی نمی‌باشد. باوجود آن‌چه گفته شد، می‌توان تعریف ذیل را از بزه‌دیدہ جرایم دولتی، ارائه داد: «افراد یا گروهی از افراد که به‌علت اقدامات یا سیاست‌های دولتی خلاف قانون یا قواعد کلی حقوق بشر، متحمل صدمه جسمی، فرهنگی و اقتصادی، رنج، محرومیت یا استثمار شده‌اند» (کولازیچ و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۰۱). به‌نظر می‌رسد مهم‌ترین ویژگی بزه‌دیدگان ترک فعل‌های مجرمانه مقامات دولتی، نقض حقوق آنان می‌باشد، چراکه انجام وظیفه قانونی از جانب مقامات دولتی مترادف با تأمین حقوق بزه‌دیدگان است، فلذا نخستین اثر ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، نقض حقوق قانونی بزه‌دیدگان است و آسیب‌ها و صدمات بعدی، متعاقب آن مطرح می‌گردد. از آنجا که حقوق شهروندان یک کشور، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های اجتماعی، سیاسی و حقوقی دولت‌های مدرن است و هر شهروندی بزه‌دیده قرار گیرد، شایسته حمایت حقوقی و جبرات خسارت است (یوسفی طهارم، ۱۴۰۱: ۱)، بنابراین حمایت از بزه‌دیده ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، بایستی در اولویت نظام

^۱ - زمیولوژی را می‌توان ادامه و به عبارت دیگر، نسخه قرن بیستم و یکم جرم‌شناسی رادیکال دانست و بنیان‌گذاران آن، به مطالعه همه آسیب‌ها و مخاطرات اجتماعی که جرم تنها یکی از مصادیق آن‌هاست، باور دارند.

ساختارهای سست و آسیب‌پذیر اداری این کشورها است» (افضلی، ۱۳۹۰: ۲۶۴-۲۳۵). بدیهی است که عدم انجام وظایف قانونی مقامات دولتی به‌عنوان مصداقی از فساد اداری از قاعده کلی گفته‌شده مستثنی نیست و معول ساختار نامناسب اداری است. مهم‌ترین مؤلفه‌های یک ساختار اداری نامناسب را می‌توان در تشریفات زائد، دیوان‌سالاری، تداخل در وظایف محوله، عدم رضایت کارکنان، تعدد مراجع نظارتی و ... مشاهده نمود که هریک بالقوه می‌تواند بستری در راستای ترک انجام وظایف قانونی توسط مدیران و کارمندان را فراهم آورد.

۲-۲- استفاده از اصل بر تقوی به‌جای نظریه انتخاب عمومی

«کلمه تقوا از نظر لغوی، به‌معنای صیانت و حفاظت است و از نظر اصطلاحی، یعنی حفاظت و نگهداری نفس از آنچه به آن ضرر می‌رساند» (میرتاج‌الدینی، ۱۳۷۴: ۳۶). «هنگامی که باورهای ایمانی یک انسان شکل می‌گیرد و وحدانیت و رسالت و معاد را تصدیق می‌نماید، زیربنای تقوا شکل گرفته، پرهیزگاری پیشه می‌کند. بنابراین تقوی مرحله کاربردی ایمان است که در بسیاری از متون و عبارات ائمه معصوم (ع) به تقوی‌الله یاد شده است» (خلعتبری و صدارت، ۱۳۹۳: ۱۰۸-۸۷). بدیهی است چنان‌چه اصل بر تقوی، تنها ملاکِ گزینش کارگزاران، مدیران و مقامات دولتی باشد و نسبت به منافع شخصی و احتمالی آن‌ها (به‌عنوان یک انسان) در فرآیند گزینش و انتخاب، توجهی به عمل نیاید، ارتکاب اعمال متخلفانه و مجرمانه (ازجمله ترک وظایف و تکالیف قانونی) از جانب افراد مزبور در مناصب مدیریتی، امری عجیب به‌نظر نخواهد رسید، اینجاست که در تعدیل اصل فوق‌الاشاره می‌توان به نظریه انتخاب عمومی نیز متمسک گردید. نظریه اخیرالذکر، مطالعه سیاست بر پایه اصول اقتصادی است (ملک‌محمدی، ۱۳۸۶: ۲۰۹-۲۰۱). براساس نظریه انتخاب عمومی، سیاستمداران و کارگزاران دولتی، زندگی خود را فدای منافع شهروندان نمی‌کنند و رفتار آنان کم و بیش شبیه به تاجران و بازرگانان و صنعتگران است، «بدین‌معنی که اگر آنان، کاری به نفع شهروندان انجام می‌دهند، آن کار برای خود آنان نیز منافع

ارتشاء، اختلاس، تصرف غیرقانونی، کلاه‌برداری، تدلیس در معاملات دولتی و ... در سازمان یا مؤسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شوند و مراتب را حسب مورد، به مراجع صلاحیت‌دار قضایی یا اداری اعلام ننمایند» (ماده ۶۰۶)؛ طبیعی است که در این مورد، علاوه بر گسترده‌بودن دامنه ترک فعل ارتكابی و خسارات ناشی از آن، نیازی به اثبات تقصیر و رابطه سببیت مقامات مزبور نیز نخواهد بود (ایرانی و همکاران، ۱۳۹۴: ۸۲-۵۷).

۲- عوامل گسترش جرایم مقامات ناشی از ترک فعل

پس از شناخت مهم‌ترین ویژگی‌های جرایم ناشی از ترک فعل مقامات دولتی، در این قسمت، مهم‌ترین عوامل گسترش پدیده مجرمانه مورد اشاره را شناسایی و ارزیابی خواهیم نمود. لازم به‌ذکر است که شناسایی عوامل مورد اشاره، خود موضوع پژوهشی علی‌حده و تفصیلی است و نگارندگان در این قسمت، به مقتضای رویکرد پژوهش و در چهارچوب موضوعی جرم شناسی حقوقی، به مهم‌ترین آن‌ها می‌پردازند.

۲-۱- ساختار نامناسب اداری

به‌طور کلی، در سطح دولت، ساختار اداری به‌جهت این‌که تمام فرآیندهای ارتباطی، سیاست‌گذاری و مدیریتی در آن نهادینه شده، حساس‌ترین و قاطع‌ترین بُعد است؛ به‌بیان دیگر، ساختار اداری برای اداره جامعه و حفظ سلطه سیاسی، ابزاری اجتناب‌ناپذیر است (نقیب‌زاده، ۱۴۰۰: ۱۹۸). ساختار اداری عبارت است از شیوه به‌کارگیری قدرت توسط دولت و مدیریت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور (توحیدی و میرین بابازادگان، ۱۳۹۹: ۳۲-۷). «از آنجا که ساختار اداری، حدود و میزان انتظارات، اعطای قدرت، صحت عملکرد، چگونگی انجام هر فرآیند به‌صورت مستقل یا تابع مدیریتی و راهبردی و نیز گردشکارها را شامل می‌شود، در تحلیل آن باید توجه خاصی به ارکان و عوامل رسمی و غیررسمی دخیل در فرآیندهای تصمیم‌گیری، اداره و اجرای تصمیمات و نیز ساختارهای رسمی و غیررسمی مؤثر در راه رسیدن به نتایج و پیاده‌سازی آن‌ها معطوف شود. امروزه فساد اداری^۱ فراگیر و عمیق در بسیاری از کشورهای در حال توسعه وجود دارد و این امر به‌دلیل

^۱ پذیرد یا ضرر و زبانی را به اموال، منافع، منابع یا سلامت و امنیت عمومی و یا جمعی از مردم وارد نماید» (بند «الف» ماده ۱ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد، مصوب ۱۳۹۰).

^۱ «فساد در سطح اداری، هرگونه فعل یا ترک فعلی است که توسط هر شخص حقیقی یا حقوقی به‌صورت فردی، جمعی یا سازمانی که عمداً و باهدف کسب هرگونه منفعت یا امتیاز مستقیم یا غیرمستقیم برای خود یا دیگری، با نقض قوانین و مقررات کشوری انجام

۲-۴- چالش‌های نظام نظارتی

نظارت، ابزاری در راستای جلوگیری از فساد حاصل از قدرت است (موسوی و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۶-۵) و به مجموعه عملیاتی گفته می‌شود که طی آن، میزان تطابق عملکرد اشخاص با قوانین و مقررات سنجیده می‌شود تا از این طریق، به مطابقت نتایج عملکرد با هدف‌های مطلوب، اطمینان به‌دست آید (اخوان کاظمی، ۱۳۹۱: ۳۱). «نظارت در مفهوم حقوقی، عبارت است از بازرسی و سنجش و ارزیابی اقدامات مجریان و ناظر کسی است که به‌منظور چنین بازرسی و ارزیابی و سنجشی تعیین می‌شود» (عمیدزنجانی، ۱۳۸۹: ۱۵). بر مبنای نظریه فعالیت روزمره^۱ (جندلی، ۱۳۹۳: ۸۷)، نظارت بر مقامات دولتی به‌عنوان نگره‌بانی توانمند در برابر ترک فعل مجرمانه عمل می‌کند (الهی‌منش و برزگری دهج، ۱۴۰۱: ۱۷۶-۱۴۹).

در نظام حقوقی ایران و در قانون اساسی، برای هر کدام از اقسام نظارت، مصادیقی ذکر شده است، مثل: ۱- نظارت سیاسی (نظارت بر صدا و سیما طبق اصل ۱۷۵)؛ ۲- نظارت مردمی (نظارت از راه آزادی مطبوعات طبق اصل ۲۴)؛ ۳- نظارت حقوقی (قانونی) (نظارت رهبری بر حسن اجرای سیاست‌های کلی نظام طبق بند دوم اصل ۱۱۰)؛ ۴- نظارت قضایی (نظارت سازمان بازرسی کل کشور، طبق اصل ۱۷۴)؛ ۵- نظارت مالی (نظارت دیوان محاسبات طبق اصول ۵۴ و ۵۵) (رضائی مفرد، ۱۴۰۰: ۲۹-۳۶). در ارتباط با ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، احکام مقرر در مواد ۹۰، ۹۱ و ۹۲ قانون مدیریت خدمات کشوری (مصوب ۱۳۸۶)، مدیران و سرپرستان بلافصل در دستگاه‌های اجرایی را مسؤول نظارت، کنترل و حفظ روابط سالم کارمندان خود در انجام وظایف محوله و موظف به رعایت قانون و اجتناب از هرگونه رفتار ناقض قانون اعم از فعل یا ترک فعل می‌دانند. بند «الف» ماده ۲ «دستورالعمل نحوه مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان و پیشگیری از آن» مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۳۰ ریاست قوه قضاییه نیز سازمان بازرسی کل کشور را موظف به ارائه گزارش‌های نظارتی هشداردهنده و به‌هنگام نموده است. باوجود آن‌چه گفته شد، به‌نظر می‌رسد به

مستقیمی را به ارمغان می‌آورد» (الوانی، ۱۳۷۸: ۵۵-۱۹). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، «این نظریه، بر سه فرض و مفهوم اصلی و محوری فردگرایی روش‌شناختی، انسان اقتصادی و انتخاب عقلانی او و سیاست به‌عنوان موضوع مبادله استوار شده و بر محوریت نفع شخصی در عرصه سیاست و حکومت تأکید دارد و انگیزه کنش سیاست‌گذاران در فرآیند سیاست‌گذاری عمومی را از جنس انگیزه شهروندان و نمایندگان گروهی در حوزه اقتصاد و بازار، یعنی نفع شخصی معرفی می‌کند» (رمضانی خردمردی و همکاران، ۱۳۹۹: ۱۴۴-۱۳۱).

۲-۳- ضعف نظام کیفری در واکنش افتراقی

افتراقی‌شدن از ریشه فرق، به‌معنی از یکدیگر جداشدن و پراکنده‌گردیدن است (ضیائی چاهگاهی و همکاران، ۱۴۰۱: ۲۲۶-۲۹۵). در سال‌های گذشته، بحث چند بخش و چند تکه شدن حقوق کیفری (اعم از شکلی و ماهوی) بر پایه مؤلفه‌هایی همچون شدت جرم، سمت مرتکب و ... مطرح گردیده است که می‌توان آن را ذیل عنوان رویکرد افتراقی، بررسی نمود. رویکرد افتراقی بدین معناست که یک اقدام با متفاوت‌شدن نسبت به یک اصل حاکم، رفته‌رفته از آن فاصله گرفته و به‌تدریج به نقض آن اصل می‌پردازد (مسّه، ۱۳۹۵: ۳۱۱). رویکرد افتراقی را می‌توان هم در جرم‌انگاری، هم در رسیدگی کیفری و هم در واکنش کیفری (تعیین و اعمال مجازات) اتخاذ نمود. تخصصی بودن برخی ترک فعل‌های مجرمانه ارتكابی از جانب مقامات دولتی، پیوند احتمالی برخی از آن‌ها با مقوله امنیت ملی و مخاطرات زیان‌بار مترتب بر آن‌ها (منصورآبادی و اسدی‌نیا، ۱۳۹۹: ۵۸-۳۳)، ضرورت اتخاذ رویکرد افتراقی در قبال این‌گونه ترک فعل‌های مجرمانه را بیش از پیش، آشکار می‌نماید. در نظام کیفری ایران، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در گسترش ارتكاب ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی را می‌توان در ضعف نظام کیفری به‌منظور اتخاذ واکنش کیفری افتراقی در قبال این‌گونه جرایم جستجو نمود، اگرچه همان‌گونه که در ادامه نیز خواهیم گفت، فراتر از ضعف نظام کیفری در اتخاذ واکنش مزبور، در حوزه مورد بحث، با خلأ قانونی مواجه هستیم.

حداقل می‌رسد، لذا باید تا حد امکان، حتی نسبت به فردی که فرآیند جامعه‌پذیری را به نحو کاملی طی کرده است، هر وضعیت یا موقعیتی که به‌نظر می‌رسد برای گذر از اندیشه به عمل مناسب باشد را حذف نمود، زیرا فرض بر این است که فرصت، بزه‌کار می‌سازد.

^۱- براساس این نظریه، در صورت جمع سه عنصر، خطر ارتكاب یک عمل جنایی، افزایش خواهد یافت. این سه عنصر عبارتند از: ۱- یک فرد مصمم؛ ۲- یک بزه دیده مناسب؛ ۳- فقدان حفاظت. حال چنان‌چه یکی از عناصر مفقود باشد، شانس ارتكاب عمل مجرمانه به

در اینجا مقامات دولتی) را متقاعد می‌کند که هزینه ارتکاب ترک فعل مجرمانه، بیش از حد توان آن‌هاست (سبزه‌علی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۰۸-۱۸۳). همان‌گونه که ملاحظه می‌گردد، راهبرد مزبور، دارای اثر دائمی نبوده و تنها بر وضعیت‌ها و موقعیت‌های مجرمانه، تأثیرگذار است.

۳-۲- استفاده از نظام جرایم خسارت‌محور

در سالیان گذشته، رویکرد علم جرم‌شناسی همواره در حال تحول بوده است؛ این تحولات به‌سوی کاهش یا حذف مداخله نظام کیفری حاکمیتی و مجازات‌محور و در مقابل، دخالت بیشتر اقدامات غیرکیفری توسط مراجع غیررسمی و مردمی پیش رفته است. این رویکرد که اندیشه‌های آن به آموزه‌های مکاتب تحقیقی و دفاع اجتماعی حقوق جزا بازمی‌گردد، بیشتر به سازوکارهای ترمیمی و مدنی (جبران خسارت) می‌انديشد و توسل به مجازات را محکوم به شکست می‌داند (رضائیان، ۱۳۹۴: ۱۲۵). رویکرد جدید که از آن، تحت عنوان عدالت ترمیمی نیز یاد شده است، دارای سه مؤلفه اصلی است که عبارت‌اند از: جبران خسارت، شرمساری بزه‌کار و مشارکت جامعه مدنی^۲ (رضائیان، ۱۳۹۴: ۱۰)، در فرآیند کیفری (صادقی و همکاران، ۱۳۹۸: ۸۵-۱۱۲). به‌نظر نگارندگان، یکی از مهم‌ترین راهبردها به‌منظور کاهش ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، استفاده بیشتر از سازوکارهای ترمیمی و جبرانی به‌جای سازوکارهای کیفری و حاکمیتی است، چراکه از این طریق و با حذف تشریفات رسیدگی کیفری، فرآیند رسیدگی به عدم انجام وظایف قانونی مقامات دولتی، سرعت بیشتری به خود گرفته و امکان جبران خسارت بزه‌دیدگان نیز بیش از پیش، میسر خواهد گردید، ضمن این‌که رویکرد مزبور به‌دلیل فقدان آثار سوءکیفری، موجب ایجاد حساسیت و مقاومت در نهادها و مقامات دولتی نیز نخواهد گردید. باوجود آن‌چه گفته شد، بایستی توجه داشت که استفاده از سازوکارهای خسارت‌محور در قبال ترک فعل‌های مجرمانه مقامات دولتی تا جایی است که ترک فعل‌های مزبور دارای آثار محدود بوده و از طریق

دلیل چالش‌های موجود در نظام نظارتی کشور، فساد اداری و ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، رو به گسترش است. شاید مهم‌ترین چالش موجود در نظام نظارتی کشور را بتوان در تعدد مراجع نظارتی مشاهده نمود. این نکته مسلم است که چنان‌چه تعدد دستگاه‌های نظارتی، صرفاً از نظر کمی باشد، بی‌آن‌که رویکردی جامع‌نگر در برابر آن‌ها وجود داشته باشد، احتمال ناکارآمدی و عدم امکان کنترل و نظارت صحیح و کامل امور، مهم‌ترین چالش پیش رو خواهد بود (موسوی و موسوی، ۱۳۹۰: ۳۶-۵).

۳-۳- راهبردهای مقابله و کاهش ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی

پس از شناخت مهم‌ترین ویژگی‌های جرایم ناشی از ترک فعل مقامات دولتی و عوامل گسترش آن‌ها، ارائه و پیشنهاد راهبرد به‌منظور مقابله با پدیده مجرمانه مزبور و کاهش ارتکاب آن، امری ضروری است؛ در غیر این صورت، هدف انجام پژوهش به‌طور کامل محقق نخواهد گردید.

۳-۱- استفاده از سیستم نظارت الکترونیک با استفاده از کمک متخصصان در تمامی زمینه‌های فنی

مدیریت در سازمان، برای نیل به اهداف خود، به‌دنبال استقرار نظامات و سیستم‌هایی می‌باشد تا فضای مساعد برای افزایش بهره‌وری را تضمین کند. از مهم‌ترین این نظامات، سیستم نظارتی ارزیابی عملکرد کارکنان جهت بررسی رفتارها و قابلیت‌های آنان و رشد و شکوفایی آن‌ها برای رسیدن به اهداف سازمان می‌باشد. منحصر کردن نظارت به شیوه‌های کند سنتی و به‌عبارتی دستی و فیزیکی، جوابگو نیست. در چنین شرایطی، تنها راه حل، اعمال شیوه نظارت الکترونیکی است (صادقیان و همکاران، ۱۳۹۶: ۸۵-۱۱۲). نظارت الکترونیکی را می‌توان به عنوان راهبرد پیشگیرانه وضعی^۱ (محمدنسل، ۱۴۰۱: ۱۲۱)، از ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی تلقی نمود که با تأثیرگذاری بر وضعیت‌های جرم‌زا، از طریق تدابیر مناسب، مجرمین بالقوه

می‌کنند و با دیده‌بانی عملکرد نهادهای دولتی، دسته‌بندی مطالبات مردمی و ارائه پیشنهاد به دولت‌ها می‌کوشند با آموزش اصول شهروندی، شرایط بهبود زندگی فردی و اجتماعی را فراهم کنند. مشخصه اصلی نهادهای مدنی، غیردولتی‌بودن آنان و عدم وابستگی تشکیلاتی و مالی به حاکمیت سیاسی و ارگان‌های دولتی است.

^۱- پیشگیری وضعی، مجموعه تدابیری است که هدف غایی آن، منصرف یا ناتوان ساختن مقطعی بزه‌کاران مصمم از ارتکاب جرم است و از طریق برهم‌زدن موقعیت جرم، صورت می‌گیرد.

^۲- جامعه مدنی، مجموعه‌ای متشکل از نهادهای مدنی است. نهاد مدنی به نهادهایی گفته می‌شود که در راستای توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی در یک کشور فعالیت

مذاکره و سازوکارهای ترمیمی، بتوان آثار و تبعات سوء ناشی از آن‌ها را برطرف نمود. طبیعی است در صورت گسترده‌بودن دامنه ترک وظایف قانونی مقامات دولتی، تعداد بزه‌دیدگان و خسارات و آسیب‌های ناشی از آن‌ها، استفاده از سازوکارهای ترمیمی و جبرانی، واجد کارایی و مطلوبیت نخواهد بود.

۳-۳- حذف عنصر روانی در موارد لازم

«بی‌شک زیربنای مسؤولیت کیفری، عنصر روانی یا تقصیر است، تفاوت مسؤولیت مجرمین بیش از هر شاخص دیگری در حقوق کیفری، تابع عنصر روانی آن‌ها از حیث عمدی و یا غیرعمدی بودن رفتار ارتكابی است» (لشکری آذر و آشوری، ۱۴۰۰: ۳۶-۱۱)؛ «بر این مبنا، کسی را نمی‌توان نسبت به یک تخلف کیفری مقصر دانست، مگر آن‌که دو عنصر محقق باشد: نخست، عنصر مادی معادل عمل گناهکارانه؛ دوم، عنصر روانی معادل ذهن گناهکار» (Elliot & Quinn, 2007: 7). «با این حال، به موجب تغییرات بنیادینی که هم‌زمان با ظهور انقلاب صنعتی در سده نوزدهم میلادی در غرب رخ داد و به‌خاطر تأثیرات عمیقی که از این طریق در شیوه زندگی مردم ایجاد شد، شیوه رسیدگی به دعای مربوط به جبران خسارات ناشی از به‌کارگیری محصولات و مصنوعات جدید صنعتی با دگرگونی‌هایی مواجه شد و نوع دیگری از جرایم را برمبنای اصل «رفاه عمومی» به‌وجود آورد» (لشکری آذر و آشوری، ۱۴۰۰: ۱۳). «جرایم علیه رفاه عمومی - که از آن‌ها تحت عنوان جرایم مادی صرف نیز یاد شده است - از نظر ارکان تشکیل‌دهنده، بدون اثبات عنصر روانی باوجود دست کم یک عنصر مادی، ممکن است ارتكاب یابند و به اصطلاح حقوق دانان، عنصر روانی در این جرایم مفروض است. به‌نظر می‌رسد یکی از مهم‌ترین راهبردها به‌منظور مقابله و کاهش ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، حذف عنصر روانی و مادی صرف قلمداد نمودن آن‌ها با تصریح موردی قانون‌گذار است. در رابطه با مصادیق جرایم مادی صرف، ارائه مفهومی صریح و ابهام زدایی از آن‌ها در قوانین ایران، امری بسیار ضروری است» (Elliot & Quinn, 2007: 7). از طرف دیگر، بایستی توجه داشت که توسعه بی‌ضابطه جرایم مادی صرف، علاوه بر تعارض با عموماً حقوق کیفری، قابلیت بالقوه نقض حقوق افراد در مظان اتهام را نیز دارا می‌باشد.

۳-۴- جرم‌انگاری ترک فعل‌ها در متن قانون

به‌طور کلی، جرم‌انگاری ترک فعل از برخی مبانی همچون اخلاق‌گرایی قانونی، اصل ضرورت و همچنین مصلحت‌گرایی تبعیت می‌نماید؛ این مسأله در کنار مبانی دیگری همچون تعاون اجتماعی، مشارکت شهروندان و نظارت بر رفتار یکدیگر، به‌عنوان مبانی اجتماعی توجیه‌گر قانون‌گذار در جرم‌انگاری ترک فعل به‌عنوان رفتار مجرمانه شناخته می‌شود (کوهیان افضل و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۵-۲). در نظام قانون‌گذاری ایران در فصول دوازدهم و سیزدهم از کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ که تحت عناوین «امتناع از انجام وظایف قانونی» و «تعذیات مأمورین دولتی نسبت به دولت» آمده‌اند، مصادیق چندانی از جرم‌انگاری ترک یا عدم انجام وظیفه قانونی توسط مقامات دولتی به‌طور خاص به چشم نمی‌خورد و تنها ماده ۵۹۷ به عدم قبول شکایت، امتناع از رسیدگی و به تأخیرانداختن صدور حکم برخلاف قانون توسط مقامات قضایی اشاره داشته است. شاید به‌دلیل همین خلأ قانونی و همچنین تأخیر در تصویب لایحه صیانت از حقوق عامه و شهروندی باشد که «دستورالعمل نحوه مقابله با ترک وظایف قانونی مدیران و کارمندان و پیشگیری از آن» مصوب ۱۳۹۹/۰۷/۳۰ ریاست وقت قوه قضاییه سعی کرده تا حدی خلأ قانونی مورد اشاره را جبران نماید. ماده ۳ دستورالعمل مزبور و بند «الف» آن، دادستان‌های سراسر کشور را موظف نموده است تا در صورتی که ترک وظایف قانونی مدیران، مسؤولان و رؤسای دستگاه‌های اجرایی و اهمال در انجام وظیفه و عدم نظارت بر کارکنان، موجب تضییع حقوق عمومی یا ایراد صدمه یا خسارت بر اموال عمومی یا منابع بیت‌المال و یا حقوق اساسی ملت (مانند حق سلامت یا امنیت عمومی و دیگر حقوق مصرح در قانون اساسی ناظر بر حقوق عامه) شود و یا مضر به سلامت و امنیت مردم شود و یا این قبیل اقدامات، سبب بروز یا توسعه خسارت و صدمات گردد و دارای وصف مجرمانه باشد، در اسرع وقت، نسبت به تعقیب موضوع، جمع‌آوری ادله و نظارت بر تحقیقات، اقدام لازم را به‌عمل آورند و مراتب را به دادستان کل جهت پیگیری اعلام نمایند. ایراد مهم در اینجا، تصویب دستورالعمل درخصوص موضوعی است که خود، دارای خلأ قانونی است. به بیان دیگر، دستورالعمل دارای ماهیت درون

سازمانی است و برای کارمندان یک سازمان، لازم‌الاتباع و لازم‌الاجرا است، درحالی‌که در مورد ترک فعل مقامات دولتی، نیازمند قانونی جامع با تعریف موضوعات جدیدی هستیم که با عنوان ترک فعل مقامات، بتواند قابلیت پیگیری داشته باشد.

۳-۵- استفاده از نظام دام گستری و نظارت مستمر

دام گستری وضعیتی است که مأموران، فردی را که به هیچ طریقی، تمایل به ارتکاب جرم نداشته، به‌نحو تحریک و ترغیب کنند که او قانون را نقض نماید (حسنی و مؤذن‌زادگان، ۱۳۹۳: ۴۴-۷). به تعبیر قاضی روبرتز: «دام گستری، ترسیم و طرح جرم توسط مأمور و تدارک آن برای شخصی است که تنها به‌علت حيله، فریب و اغوای مأمور، تمایل به ارتکاب آن پیدا کرده است» (یزدیان جعفری، ۱۳۸۴: ۱۳۲-۱۱). برخی صاحب‌نظران (Shavell, 2009: 654-656) بر این باورند که دام گستری، دستگیری غیرقانونی فردی است که مستعد ارتکاب جرمی معین نبوده است. «به‌طور کلی دام گستری، ازجمله شیوه‌های کشف جرم است که نه می‌توان طرفدار ممنوعیت مطلق و نه طرفدار آزادی مطلق آن بود، چراکه این روش، تعارضی است بین دو حق: حقوق جامعه و حقوق افراد. از یک طرف، اقتضای برخی جرایم، این است که چنین روشی در کشف آن‌ها به‌کار گرفته شود (البته در صورت تجویز قانونی آن) و از طرف دیگر، آزادی مطلق در استفاده از این روش، حقوق افراد را مورد خدشه قرار می‌دهد» (ابراهیمی و ملک‌زاده، ۱۳۹۳: ۲۹-۱). بدیهی است که بهره‌گیری از شیوه دام گستری در راستای پیشگیری از ترک وظایف قانونی مقامات دولتی که دارای وصف مجرمانه هستند، مستلزم پیش‌بینی صریح این امر در قوانین موضوعه، تعیین دقیق سازوکارهای اجرایی و توجه هم‌زمان قانون‌گذار به منافع جامعه و حقوق فردی افراد در مظان اتهام است.

نتیجه‌گیری

ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، موجد آسیب‌ها و تبعاتی در سطوح کلان است و به همین منظور، شناخت عوامل گسترش و همچنین راهبردهای احتمالی به‌منظور مقابله با آن امری ضروری است. طبیعی است با توجه به رویکرد منتقدانه جرم‌شناسی حقوقی، در بستر مطالعاتی مورد اشاره، شناخت

مؤلفه‌ها و راهبردهای فوق، بهتر امکان‌پذیر است. ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی، معلول عوامل مختلفی است. ساختار اداری نامناسب با مؤلفه‌هایی همچون تشریفات زائد، دیوان سالاری، تداخل در وظایف محوله، عدم رضایت کارکنان و تعدد مراجع نظارتی، بالقوه می‌تواند بستری در راستای ترک انجام وظایف قانونی توسط مقامات دولتی باشد. تمرکز صرف بر اصل تقوی بدون توجه به منافع شخصی و احتمالی افراد (به‌عنوان انسان) در فرآیند گزینش آن‌ها به‌عنوان مقامات دولتی، دیگر بستر گسترش ترک فعل مجرمانه مقامات دولتی بوده و در جهت تعدیل آن، تمسک به نظریه انتخاب عمومی و الزامات ناشی از آن در فرآیند مورد اشاره، امری ضروری به‌نظر می‌رسد. ضعف نظام عدالت کیفری در جهت اتخاذ رویکرد واکنشی افتراقی در قبال ترک فعل‌های مورد اشاره نیز در این راستا، قابل بررسی است، چراکه تخصصی‌بودن برخی ترک فعل‌های مزبور، پیوند احتمالی برخی از آن‌ها با مقوله امنیت ملی و مخاطرات زیان‌بار مترتب بر آن‌ها، جزء با اتخاذ رویکرد افتراقی، قابل پیشگیری و کاهش نخواهد بود. درنهایت می‌توان به چالش‌های موجود در حوزه سازوکارهای نظارتی، ازجمله تعدد مراجع نظارتی و فقدان رویکرد جامع‌نگر در امر نظارت اشاره نمود که خود، معلول کمی‌نگری در حوزه مورد بحث است. استفاده از سیستم نظارت الکترونیک با تأثیرگذاری بر وضعیت‌های جرم‌زا و به تبع آن، متقاعدنمودن مجرمین بالقوه مبنی بر این که هزینه ارتکاب ترک فعل مجرمانه، پیش از حد توان آن‌هاست، یکی از مهم‌ترین راهبردها در راستای مقابله با ترک فعل‌های مجرمانه مقامات دولتی است. خسارت‌محورنمودن تدابیر واکنشی همراه با حذف تشریفات رسیدگی کیفری و امکان بیشتر جبران خسارت بزه‌دیدگان نیز دیگر راهبرد موجود است، چراکه ضمن سرعت‌بخشی به فرآیند رسیدگی، موجب ایجاد حساسیت و مقاومت در نهادها و مقامات دولتی نیز نخواهد گردید. از دیگر راهبردهای مقابله با ترک فعل‌های مجرمانه مقامات دولتی، می‌توان به حذف عنصر روانی و مادی صرف قلمدادنمودن همراه با ارائه مفهوم صریح و ابهام‌زدایی از آن‌ها در قوانین موضوعه اشاره نمود؛ درخصوص راهبرد مزبور، بایستی این نکته را حتماً مد نظر داشت که توسعه بی‌ضابطه جرایم مادی صرف، علاوه بر تعارض با عمومات حقوق کیفری، قابلیت بالقوه نقض

- اسماعیلی، محسن (۱۳۷۷). نظریه خسارت (بررسی لزوم جبران خسارت‌های معنوی و مسؤولیت ناشی از تقویت منافع و فرصت‌ها از دیدگاه فقه و حقوق تطبیقی). چاپ اول، تهران: انتشارات امیرکبیر.

- اسمعیلی، محسن (۱۳۹۸). «تسبیب در قتل ناشی از ترک فعل». *مجله مطالعات فقه اقتصادی*، ۱(۲): ۱۷۱-۱۸۷.

- افضل‌ی، عبدالرحمن (۱۳۹۰). «فساد اداری و تأثیر آن بر توسعه (علل، پیامدها و راهکارهای برون‌رفت)». *مجله حقوقی بین‌المللی*، ۲۸(۴۵): ۲۳۵-۲۶۴.

- الوانی، سیدمهدی (۱۳۷۵). «نظریه انتخاب عمومی و ضرورت تحول در ساختار اداری». *فصلنامه مطالعات مدیریت بهبود و تحول*، ۶(۲۳-۲۴): ۵-۱۹.

- الهی‌منش، محمدرضا و برزگری دهج، حمید (۱۴۰۱). «سیاست‌های پیشگیری وضعی از فساد در قلمرو معاملات دولتی». *فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق اداری*، ۴(۱۰): ۱۴۹-۱۷۶.

- امامی، محمد؛ استوار سنگری، کوروش (۱۳۹۰). *حقوق اداری*. جلد اول، چاپ چهاردهم، تهران: انتشارات میزان.

- ایرانی، امیر؛ نجفی حاجی‌ور، معصومه و نجیبیان، علی (۱۳۹۴). «تحلیل میزان بازتاب اندیشه‌های جرم‌شناسی انتقادی در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲». *فصلنامه پژوهش‌های حقوق کیفری*، ۱(۱): ۵۷-۸۲.

- توحیدی، ارسطو؛ میرین بابازادگان، سیدمهدی (۱۳۹۹). «ارکان جهت ساز نظام اداری کشور در گفتمان ولایت فقیه». *فصلنامه علمی مطالعات مدیریت راهبردی دفاع ملی*، ۴(۱۳): ۳۲-۷.

- جاستین کوتزه، اوی بوک‌لی (۱۴۰۱). *زمین‌لغزش (بازپیوند جرم و آسیب اجتماعی)*. ترجمه هانی هژبرالساداتی، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

حقوق افراد در مظان اتهام را نیز دارا می‌باشد. پیشنهاد می‌شود خلأ قانونی ترک فعل مقامات دولتی رفع گردد. برطرف‌نمودن خلأ قانونی و جرم‌انگاری علی‌حده ترک فعل مقامات دولتی در متون قانونی مصوب، دیگر راهبرد موجود در این راستاست که مبتنی بر مبانی مستحکمی همچون اخلاق‌گرایی قانونی، اصل ضرورت، مصلحت‌گرایی، تعاون اجتماعی، مشارکت شهروندان و نظارت بر رفتار یکدیگر است. درنهایت، بایستی به استفاده از شیوه‌های مبتنی بر دام‌گستری و نظارت مستمر به‌عنوان راهبرد مقابله با ترک فعل‌های مجرمانه مقامات دولتی اشاره داشت. درخصوص این راهبرد نیز چون آزادی مطلق در استفاده از آن، حقوق افراد را مورد خدشه قرار می‌دهد، بنابراین تصریح قانون‌گذار و تعیین دقیق حدود و ثغور و سازوکارهای اجرایی، امری ضروری است.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافی بوده است.

سهم نویسندگان: برابر.

تشکر و قدردانی: ابراز نشده است.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- ابراهیمی، شهرام و ملک‌زاده، محمود (۱۳۹۳). «دام‌گستری (ممنوعیت مطلق یا قانونمندسازی آن)». *دو فصلنامه فقه و حقوق اسلامی*، ۴(۸): ۱-۲۹.

- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۹۱). *نظارت در نظام اسلامی*. چاپ اول، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳). *حقوق جزای عمومی*. جلد اول، چاپ سی و سوم، تهران: انتشارات میزان.

- جندلی، منون (۱۳۹۳). *درآمدی بر پیشگیری از جرم (تعاریف، تاریخچه، رویکردها و دورنما)*. ترجمه و تحقیق شهرام ابراهیمی، چاپ اول، تهران: انتشارات میزان.
- حسنی، عباس و مؤذن‌زادگان، حسنعلی (۱۳۹۳). «دفاع دام گستری (از مفهوم‌شناسی تا آثار)». *مجله حقوقی دادگستری*، ۷۸(۸۵): ۴۴-۷.
- خلعتبری، حسام‌الدین و صدارت، فریا (۱۳۹۳). «ویژگی‌های شخصیتی مدیر از منظر قرآن و نهج‌البلاغه». *ماهنامه سراج منیر*، ۵(۱۶): ۸۷-۱۰۸.
- رایجیان اصلی، مهرداد (۱۳۹۰). *بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دادگستر.
- رضائیان، سعیده (۱۳۹۴). «نقش نهادهای مدنی در پیشگیری از تکرار جرم در مرحله پساکیفری». پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی استاد سعید قماش، کاشان: دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان.
- رضائی‌مفرد، مهدی (۱۴۰۰). «مفهوم نظارت در حقوق عمومی». *فصلنامه علمی - تخصصی حق*، ۱(۱): ۲۹-۳۶.
- رضانی‌خردمردی، حسین؛ احمدی، حمید و ذاکریان امیری، مهدی (۱۳۹۹). «انگیزه کنشگران در سیاست‌گذاری عمومی (نگاهی نو به نفع شخصی در نظریه انتخاب عمومی)». *فصلنامه سیاست‌گذاری عمومی*، ۶(۳): ۱۳۱-۱۴۴.
- روح‌الامینی، محمود (۱۳۹۶). «تبیین مفهوم و جایگاه فعل ناشی از ترک فعل در حقوق کیفری فرانسه، سوئیس و ایران». *مجله پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۳(۱۶): ۹۳-۱۱۶.
- زکوی، مهدی (۱۳۹۰). *بزه‌دیدگان خاص در پرتو بزه‌دیده‌شناسی حمایتی*. چاپ اول، تهران: انتشارات مجد.
- سبزه‌علی، راضیه؛ صرامی، سمیه و اشراقی، محمود (۱۴۰۰). «پیشگیری از جرایم مالی و داراشدن بلاجهت مقامات دولتی». *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی*، ۲۰(۴۵): ۱۸۳-۲۰۸.
- شمس ناتری، محمدابراهیم (۱۳۹۴). «ماهیت جرم‌شناختی رفتارهای منتهی به مخاطرات در مکتب نو ظهور زمیولوژی». *فصلنامه دانش مخاطرات*، ۲(۳): ۳۲۵-۳۳۹.
- صادقی، سالار؛ فخر، حسین؛ رحیمی‌نژاد، اسمعیل (۱۳۹۸). «جایگاه عدالت ترمیمی در جرایم علیه حاکمیت». *فصلنامه پژوهشنامه حقوق کیفری*، ۱۰(۲۰): ۸۵-۱۱۲.
- صادقیان، پریش؛ عبدالهیان، فرزانه و حمیدی، کامبیز (۱۳۹۶). «مطالعه نقش نظارت الکترونیکی بر ارزیابی عملکرد کارکنان سازمان تأمین اجتماعی». تهران: کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی.
- صفاری، علی (۱۳۸۳). *درآمدی بر جرم‌شناسی انتقادی و انواع آن در علوم جنایی (مجموعه مقالات در تجلیل از استاد دکتر محمد آشوری)*. چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
- ضیائی‌چاهگاهی، سیدیاسر؛ جمشیدی، علیرضا و آشوری، محمد (۱۴۰۱). «افتراقی‌شدن دادرسی کیفری جرایم اشخاص حقوقی، مبانی، ضرورت و ضوابط». *مجله حقوقی دادگستری*، ۸۶(۱۱۹): ۲۹۵-۳۲۶.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۹). *نظارت بر اعمال حکومت و عدالت اداری*. چاپ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کولازیچ، دیوید؛ ماتتو، ریک و جی میلر، ویلیام (۱۳۹۰). *درآمدی بر بزه‌دیده‌شناسی جرایم دولت (مجموعه مقالات بزرگداشت دکتر حسن دادبان)*. ترجمه مجید قورچی‌بیگی، جلد دوم، چاپ اول، نشر انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- کوهیان افضل، امین؛ مسعود، غلامحسین و شکرچی‌زاده، محسن (۱۳۹۷). «مبانی جرم‌انگاری ترک فعل در حقوق کیفری ایران و انگلستان». *فصلنامه پژوهش‌های حقوقی میان رشته‌ای*، ۲(۳): ۱۵-۲.
- لشکری آذر، سجاد و آشوری، محمد (۱۴۰۰). «بازپژوهی جرم مادی صرف (مطالعه تطبیقی ایران و آمریکا)». *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، ۱۷(۲۸): ۱۱-۳۶.

ب. منابع انگلیسی

- Elliot, C & Quinn, F (2007). *Criminal law*. 3rd ed., London: Pearson Education Limited.
- Shavell, S (2009). *Foundations of Economic Analysis of Law*. 2nd ed., Harvard: Harvard University Press.
- Virgo, G (2006). *The Principles of the Law of Restitution*. 2nd ed., New York: Oxford University Press.

- محمد کریمی، امیر؛ آقابابائی‌بنی، اسماعیل و موسوی مجاب، سیددرید (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی معاونت در جرم از طریق ترک فعل در سامانه حقوقی ایران و انگلستان». *مجله مطالعات فقهی و فلسفی*، ۳(۲۴): ۵۳ - ۷۵.

- محمدنسل، غلامرضا (۱۴۰۱). *کلیات پیشگیری از جرم*. چاپ چهارم، تهران: نشر میزان.

- مسه، مان (۱۳۹۵). *بزهکاری تروریستی (در دایره المعارف علوم جنایی - کتاب دوم)*. ترجمه روح الدین گرد علیوند و آزاده شاهین مقدم، چاپ دوم، تهران: انتشارات میزان.

- ملک‌محمدی، حمیدرضا (۱۳۸۶). «تخت بی‌بخت (بازاندیشی مفهومی نظریه انتخاب عمومی)». *فصلنامه سیاست*، ۳۷(۱): ۲۰۱ - ۲۰۹.

- منصورآبادی، عباس و اسدی‌نیا، شهناز (۱۳۹۹). «جلوه‌های دادرسی افتراقی جرایم اداری (در پرتو اصول دادرسی منصفانه)». *فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین اداری*، ۲(۵): ۳۳ - ۵۸.

- موسوی، سیدفضل‌اله و موسوی، سیدمهدی (۱۳۹۰). «تعدد دستگاه‌های نظارتی (فرصت یا تهدید)». *فصلنامه پژوهش‌های سلامت اداری*، ۳(۷): ۵ - ۳۶.

- میرتاج‌الدینی، سیدمحمدرضا (۱۳۷۴). *اخلاق کارگزاران حکومت از دیدگاه اسلام*. چاپ اول، قم: بوستان کتاب.

- نقیب‌زاده، احمد (۱۴۰۰). *درآمدی بر جامعه‌شناسی سیاسی*. چاپ شانزدهم، تهران: انتشارات سمت.

- یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۴). «دام‌گستری (مفهوم، مبانی و جایگاه آن در حقوق کیفری ایران)». *فصلنامه حقوق اسلامی*، ۲(۶): ۱۱۵ - ۱۳۲.

- یوسفی طهارم، میثم (۱۴۰۱). «نحوه جبران خسارت اشخاص در اثر عدم انجام وظایف و تکالیف قانونی شهرداری و شورای شهر». پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی استاد علیرضا رجب‌زاده، امارات: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد امارات.